

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۲۵ نومبر ۲۰۱۴

چه کسانی و چگونه جهاد طلبان را شست و شوی مغزی می دهند؟

Qui et comment manipule-t-on des jihadistes

گرچه فرانسه و بریتانیا با ترس و هراس کشف کرده اند که افراد عادی می توانند به شکل ناگهانی به جلاّد تبدیل شوند و سر آدمها را ببرند، تی پری میسان که از ۱۳ سال پیش این موضوع را افشاء کرده، در اینجا یک بار دیگر به بررسی این پدیده وحشتناک می پردازد: برخی از جهاد طلبان نه تکفیربست هستند و نه مزدور مسلح، بلکه تحت تأثیر شرایط خاصی به قاتل تبدیل شده اند.

شبكة بین المللی ولتر / دمشق (سوریه)



سر بریده شده سرپاز ارتش سوریه به دست «میانه روها» در ارتش آزاد سوریه

گویا که رهبران اروپائی ناگهان از تعداد جهاد طلبانی که در کشور هایشان تولید کرده اند با دیدن فجایعی که این گروه از شهروندان اروپائی مرتکب شده اند به وحشت افتاده اند. با این وجود، در انگلستان و فرانسه صداهائی که بلند شده و می پرسند که چگونه ممکن است که افرادی که مورد ستایش اطرافیانشان بوده اند، پس از رفتن به سوریه و عراق ناگهان به آدمکش تبدیل شده اند و دستهایشان به خون سرهائی که بریده اند آغشته شده است، و از «شست و شوی مغزی» حرف می زنند ولی این تأملات را تا نتیجه قطعی ادامه نمی دهند: زیرا اگر جهاد طلبان اروپائی در روزگار کنونی فریب خورده و منحرف شده باشند، در نتیجه این وضعیت در کوران ۱۳ سال گذشته برای برخی از جهاد طلبان دیگر نیز می تواند وجود داشته باشد، و ما باید تمام دانسته های قطعی خودمان را در مورد آنچه که در گذشته روی داده مرور کنیم.

ولی پیش از آن که به چنین موضوعی بپردازیم که عمیقاً درک اروپائی ها را از «جنگ علیه تروریسم» تغییر خواهد داد، می خواهم به ریاکاری رهبران اروپائی بپردازم که امروز به گونه ای درباره کشف جنایات حرف می زنند که گویی از آن بی اطلاع بوده اند، در حالی که واقعیت امر این است که آنها مدت های مدید آگاهانه از این جنایتکاران پشتیبانی کرده و علاوه بر این تأمین مالی آنها را نیز به عهده داشته اند.

پشتیبانی فرانسوا هولاند از بریدن سر

نمی توانیم به درک ناکارآمدی رهبران اروپائی در رویارویی با جریان های تروریستی که شهروندان آنها را به خدمت می گیرند نائل شویم، بی آن که مسؤلیت شخصی آنها را زیر علامت سؤال ببریم. سریال بریدن سر پدیده تازه ای نیست. قطع سر به شکل پراکنده از سال ۲۰۰۳ طی اشغال عراق توسط ایالات متحده شروع شد و در جنگ علیه جمهوری عرب لیبیا و سپس در جنگ علیه جمهوری عرب سوریه ادامه یافت. «بهار عرب» در لیبیا با تظاهرات بنغازی به تاریخ ۱۶ فبروری ۲۰۱۱ شروع شد، و هم زمان حمله در همآهنگی با تظاهرات به پادگان های حسین الجویفی Al-Jwaifi Hussein و شاهت Shahaat، و پایگاه هوایی ال ابرج Al-Abraj توسط اعضای گروه اسلامی مبارزان لیبیا یعنی القاعده شبکه لیبیا صورت گرفت. در بامداد ۱۷ فبروری، جهاد طلبان به پادگان زاویه و مصراته و به هتل های پولیس در زواره، صیراته، اجدابیا، درنا و الزنتان حمله کردند. در چندین مورد تأیید شده است که شورشیان سربازان را اعدام کرده و تعدادی از آنها را سر بریده اند.

«بهار عرب» در سوریه از درعا آغاز شد. در پایان مراسم نماز جمعه، حدود پانزده نفر پرچم هائی را علیه حکومت نظامی و علیه جمهوری به اهتزاز در آوردند. فوراً پس از این نمایش خیابانی، جهاد طلبان به یکی از ساختمان های اطلاعات نظامی حمله کردند که در بیرون شهر واقع شده بود و معمولاً کار دیدبانی جولان را که در اشغال اسرائیل است به عهده داشت (۱). نظامیان غافلگیر شده تلفات سنگینی را متحمل شدند و دست کم سر یک نفر از آنها را بریدند. با این وجود، اتحادیه اتلانتیک بی آن که به عاملان سرهای بریده اعتراض کنند، برای جهاد طلبان دست زدند و به دولتی که توسط آنها مورد حمله قرار گرفته بود اعتراض کردند. پس از این رویدادها، بریدن سر به وسیله ای برای هشدار و ایجاد وحشت تبدیل شد. بریدن سر ابتداء در لیبیا شیوع پیدا کرد و پس از سقوط جمهوری و انتقال جهاد طلبان گروه مبارزان اسلامی شبکه لیبیا به سوریه، در این کشور گسترش یافت. البته باید دانست که بریدن سر تنها شیوه ای نیست که جهاد طلبان به کار می بندند. زیرا یکی دیگر از عادات جهاد طلبان قطعه قطعه کردن بدن قربانیانشان است که بعداً در میدین شهر به نمایش می گذارند.

در ماه فبروری ۲۰۱۲ وقتی شبکه تلویزیون آتلانتیس و کشورهای خلیج (فارس) مدعی شده بودند که ارتش عرب سوریه امارات اسلامی در باب عمرو را بمباران کرده است و مقاومت امارات اسلامی را در این منطقه به ستالینگراد تشبیه کرده بودند، ولی هویت «امارات» را مسکوت گذاشتند و هیچ مطلبی در این مورد به زبان نیاوردند. هیچ چیزی از داعش کم نداشت. دادگاه اسلامی سنی مذهبیان را به پشتیبانی از جمهوری و خدانشناسی (خدانشناسی در عین حال به علوی ها، شیعیان و مسیحیان نیز اطلاق می شد) متهم و سپس به مرگ محکوم می کرد. به گزارش و تأیید مجله اشپگل Der Spiegel بیش از ۱۵۰ نفر از اهالی سوریه در حضور عمومی مردم شهر سربریده شدند (۲). این فاجعه با تشویق شورانگیز ابو صالح روزنامه نگار فرانس ۲۴ و الجزیره همراه شد.



۶ جولای ۲۰۱۲، رئیس جمهور فرانسه فرانسوا هولاند میزبان ۱۲۰ کشور و سازمان بین المللی برای تداوم مجدد جنگ علیه جمهوری عرب سوریه بود. این گردهمایی به مناسبت «دوستان مردم سوریه» برگزار شد. فرانسوا هولاند از ابو صالح تشویق به عمل آورد، در این عکس. ابو صالح را می بینیم، او تنها فردی است که در تریبون در حالت نشسته دیده می شود. این مرد جوان بریدن سر ۲۵۰ نفر از اهالی سوریه را توسط امارات اسلامی در باب عمرو، «منطقه آزاد شده» توسط «میانة روهای ارتش آزاد سوریه» صحنه پردازی کرد.

بر این اساس، نه تنها اعضای ناتو هرگز این قصابان را محکوم نکردند، بلکه فرانسوا هولاند روز ۶ جولای ۲۰۱۲ با تمام احترامات از ابو صالح در پاریس استقبال به عمل آورد و هیأت نمایندگان ۱۲۰ کشور و سازمان بین المللی برای او دست زدند.

از دیدگاه ناتو، ارتش آزاد سوریه از عناصر «معتدل» (۳) تشکیل شده و این دیدگاه همچنان پا بر جا باقی مانده است. احتمالاً از دیدگاه ناتو نوع خاصی از بریدن سر آدم وجود دارد که می توان آن را شیوه قصابی «معتدل» نامید.

هیچ موردی، حتی صحنه آدمخواری توسط ابو صقار فرمانده قدیمی امارات اسلامی در باب عمرو که در یوتیوب منتشر شد، این شعار «معتدل یا میانة رو» را تغییر نداد. در نتیجه از دیدگاه آنها باید نوعی آدمخواری «میانة رو» وجود داشته باشد.

در هر کشور دموکراتیکی در جهان، وقتی رئیس جمهور آشکارا از این نوع جنایتکاران پشتیبانی می کند، او را فوراً از مقامش بر کنار می کنند. ولی نه در فرانسه که پارلمانی ها به گونه ای رفتار می کنند که گوئی چنین جنایاتی به «زمینه اقتدار خاص» رئیس جمهور بستگی دارد.

چه کسانی جهاد طلبان اروپائی را استخدام می کنند ؟

رهبران سیاسی اروپائی رسماً برای قتل رئیس جمهور سوریه بشار اسد فراخوان صادر کرده و رسماً از القاعده پشتیبانی به عمل آوردند. نمونه بارز چنین رویکردی وزیر امور خارجه فرانسه لوران فیبوس است. او در ۱۷ اگست ۲۰۱۲ اعلام کرد : « من با قاطعیت تمام به آنچه می خواهم بگویم آگاه هستم : آقای بشار اسد شایسته زندگی روی زمین نیست » (۴). به تاریخ ۱۲ دسمبر ۲۰۱۲، لوران فیبوس از القاعده دفاع کرد و به ثبت شاخه سوریه در فهرست سازمان های تروریستی در ایالات متحده معترض شد زیرا به قول او «در محل کارهای خوبی انجام می دهند» (۵). از این پس، جهاد طلبان اروپائی را نباید به عنوان مجرمین ساده تلقی کرد : آنها تنها به فرمانی که از سوی رهبران صادر شده بود عمل کرده اند. با این وجود، برخی از آنها متهم شدند، ولی سیاستمدارانی که از جنایات آنها تجلیل به عمل آورده اند همچنان در مقام خود باقی مانده اند.

اگر در آغاز، جهاد طلبان بزهکاری بوده اند که در زندان استخدام شده و به این موضوع می اندیشیدند که آنچه را که در کشور خودشان ممنوع است (تجاوز، قتل و غارت) در سوریه مرتکب شوند، امروز آنها افراد عادی تلقی می شوند که با میانجیگری اینترنت به خدمت در می آیند.

فریب دادن افراد جوان منحصرأ از طریق صحبت با آنها در تالارهای مذاکره در فضای مجازی یا شبکه های اجتماعی، با شناخت زبان و فرهنگ و تاریخ شخصی آنها تا تبدیل آنها به آدمکش، بی گمان مستلزم کارائی و مهارت فنی قابل توجهی خواهد بود. آیا می توانیم باور کنیم که مزدوران مسلح داعش قادر به چنین کاری باشند ؟ این نوع فریبکاری ها کار یک گروه متشکل است تا درباره شخص تعیین شده کسب اطلاع کرده و نقاط ضعف روانی او را شناسایی کرده و کلمات مناسبی را به کار ببندند تا او را کاملاً به دام بیندازند. چنین کاری تنها از عهده یک گروه متخصص برمی آید و هرگز نمی تواند کار دهقانان عراقی باشد.

وقتی این پسران و دختران جوان کاملاً متقاعد شدند که به یک جامعه تعلق دارند و باید با اسلحه از آن دفاع کنند، در این مرحله است که به ترکیه می روند. در آنجا، داعش فوراً از آنها استقبال به عمل می آورد. البته داعش در خاک ترکیه فعالیت دارد و تحت نظارت سرویس های امنیتی و سَرّی ترکیه می باشد. پیش از آن که به سوریه یا عراق منتقل شوند، مدتی در انتظار باقی می مانند. طی این مدت، مواد مخدر مصرف می کنند و در عین حال اطلاعاتی را در اختیار آنها می گذارند تا برای کشتن کاملاً آمادگی پیدا کنند.

تحقیقات سیا و موساد در مورد آماده سازی

تحقیقات اصلی برای تبدیل افراد عادی به آدمکش توسط سیا و ارتش ایالات متحده با نام کد «طرح گفت و گو» (Projct (1953-1947) Chatter)، «طرح پرنده آبی» (Project (1953-1951) Bluebird)، «طرح کنگر فرنگی» (Project (1953-1951) Artichoke) و «طرح ام- فرهنگی» (6) (Project Mkultra) (1973-1953).
امریکائی ها این برنامه ها را که ابتداء توسط دانشمندان نازی تدارک دیده شده بود به عاریت گرفتند و در زمینه هیپنوز، حذف یا تحریم مصنوعی حس های پنجگانه از طریق غیر خشونت آمیز la privation sensorielle

(شنوایی، بینایی، لمسائی...)، منزوی سازی، تجاوز جنسی، مواد مخدر و شیوه های متنوع شکنجه مورد آزمایش و بررسی قرار دادند.

می بایستی به این پرسش پاسخ می گفتند: « آیا برای ما این امکان وجود دارد که شخصی را تا جایی تحت کنترل خودمان داشته باشیم که او علی رغم خواست خودش و حتی علی رغم قوانین بنیادی طبیعت مانند غریزه حفظ بقاء به درخواست ما عمل کند؟ »

آرشیو این فعالیت ها به شکل گسترده ای در سال ۱۹۷۳ به دستور رئیس سازمان سیا ریچارد هلمن Richard Helms تخریب شد. با این وجود، هیأت تجسسی سنا به ریاست سناتور فرانک چرچ Frank Church، سپس بررسی های یک رئیس دیگر سازمان سیا، دریابد استانسفیلد ترنر Stansfield Turner نشان داده است که بیش از ۳۰ دانشگاهی در این تحقیقات شرکت داشته اند که شامل بیش از ۱۵۰ طرح تجربی بوده است. این تحقیقات تجربی در ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو روی مردم بی آن که بدانند به آزمایش گذاشته شده بوده است.

به عنوان مثال و بر اساس آرشیوهائی که اخیراً سازمان سیا در دسترس قرار داده است، آژانس در سال ۱۹۵۱ تجربه آماده سازی را در یکی از روستاهای فرانسه، پون سنت-اسپری Pont Saint-Esprit بی آن که مردم محلی اطلاعی داشته باشند به آزمایش گذاشته بود. با هوا پخش کن ال اس دی LSD پخش کرده بودند و همین آزمایش بود که موجب جنون جمعی شد و ظرف چند ساعت به مرگ ۷ نفر و ۳۲ مورد بیماری زای علاج ناپذیر انجامید (۷).

در سال ۱۹۷۳، ایالات متحده این تحقیقات را متوقف کرد، به عبارت دیگر آن را به اسرائیل انتقال داد. این تحقیقات در سال ۲۰۰۱ از سر گرفته شد و اردوگاه اشعه ایکس Camp X-Ray را در گوانتانامو برای چنین آزمایش هائی به ریاست پروفیسور مارتین سلیگمن Martin Seligman (8) سازماندهی کردند. موضوع اعمال شکنجه برای اعتراف گیری نیست بلکه برای تلقین اعترافات تخیلی به «موش های آزمایشگاهی یعنی زندانیان» است که بعداً باید به فراخواست افتخار آمیز آنها تبدیل شود. ولی انتشار تحقیقات کنگره در مورد چنین جنایاتی دائماً به آینده موکول شده است (۹).

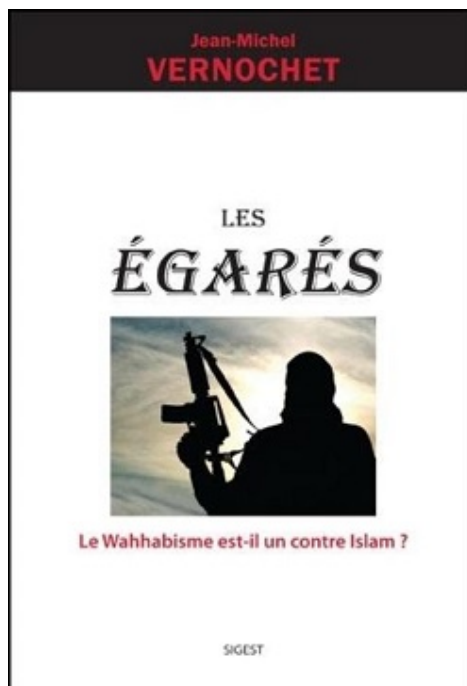
سریال « کریزیس » که روی شبکه NBC منتشر شد، آماده سازی سربازهای ایالات یدین را توسط شیمی دانان سازمان سیا به نمایش می گذارد

پیرامون این موضوع پرونده های بی شماری وجود دارد. دست آوردهای چنین تجربیاتی به حالت بومی درآمده و موجب آفرینش حجم قابل ملاحظه آثار تخیلی بوده است، به انضمام تلویزیون و سینمای ایالات متحده. اگر بپذیریم که این آزمایش های تجربی دست آوردهائی داشته است، در نتیجه می توانیم باور کنیم که برای ایالات متحده و اسرائیل امکان آماده سازی افراد عادی برای این که بتوانند دست به آدم کشی بزنند و یا حتی خودشان را در یک سوء قصد انتحاری بکشند وجود دارد. بی گمان، با آگاهی به چنین واقعیتی درک ما از القاعده یا گروه های ویژه برای عملیات کامیکازی کاملاً دچار تحول خواهد شد.

بازار یابی ایدئولوژیک

موارد اخیرى که به جهاد طلبان اروپائی مرتبط می باشد، به نظر می رسد که مستقیماً در یدین بر گرفته های سازمان سیا و موارد اخیر تر آن نزد دکتر سلیگمان در گوانتانامو از تجربیات پزشکان نازی بوده و طی این ده های اخیر نقاب ایدئولوژی وهابی را به چهره داشته است.

اشتباه بزرگی این است که این نوع فانتسم ها و ارتکاب به جنایات را به «نام اسلام» معرفی می کنند.



در واقع، اغلب جهاد طلبان پیش از آن که با القاعده یا داعش ارتباط بگیرند از وهابیت بی اطلاع بوده اند. از سال ۱۹۷۹ عربستان سعودی، قطر و امارات شارجه موفق شدند وهابیت را در تمام اروپا و اندکی در جهان عرب به عنوان شاخه اصول گرای اسلامی گسترش دهند و خود را به عنوان تنها اسلام حقیقی تعریف کنند. علاوه بر این، وهابیت تمام مکاتب خدانشناسی دیگر را، چه شیعه و چه چهار مکتب سنی سنت گرا را خارج از دین تلقی می کند. خوانندگان کنجکاو می توانند به نوشته های بنیانگذار وهابیت، **عبدالوهاب** مراجعه کنند، در این کتاب خواهند دید که او سنی ها را به عنوان مسلمان **یدین** نمی شناسد.

اخیراً، **یدین ورنوشه** Jean-Michel Vernochet نشان داده است که چگونه بریتانیایی ها با **یدین** اسطوره ملت عرب و در عین حال فرقه وهابی علیه خلیفه ترک جنگیدند و سرانجام امپراتوری عثمانی را سرنگون کردند (۱۰). منطق ایجاب می کند تا بپذیریم که داعش در پی احیای خلیفه است، ولی نه مانند جانشینان فاطمیه، عباسی و یا بنی امیه که تمام اینها از دیدگاه وهابیت خارج از دین هستند، بلکه به نام خودشان و در جایگاه آنها.

چه باید کرد ؟

در نخستین گام، توقف پشتیبانی از جهاد طلبان، به انضمام پشتیبانی از عناصری که در پی سرنگونی رژیم هائی هستند که در مقابل امپریالیسم مقاومت می کنند و برکنار کردن سیاستمدارانی که رسماً از این جنایات پشتیبانی کرده اند. سپس، توقف هر گونه پشتیبانی از ایدئولوژی وهابی، حتی وقتی که پادشاه عربستان سعودی یا امیران قطر و شارجه از آن حرف می زنند. بی هیچ اتلاف وقت باید موضوع تسلوی حقوق زنان و به همین گونه آزادی رسمی برای باور های دینی در این دولت ها را مطرح کنیم. امام های وهابی در اروپا باید تحت نظارت قرار گیرند و وقتی برای اعمال جنایتکارانه تبلیغ می کنند، باید بازداشت شوند.

سرانجام، باید از **اوپاما** علیه امثال سناتور **مک کین** (۱۱) پشتیبانی شود که در درون دولت خود او شست و شوی مغزی جهاد طلبان را سازماندهی و تأمین مالی می کند.

اگر این اقدامات موجب جلوگیری از استخدام جهاد طلبان شود، با این وجود مسأله بازگشت آنها را از سوریه و عراق به کشورهایشان در اروپا حل نخواهد کرد. در وضعیت حاضر مورد آنها مطمئناً به امور قضائی مرتبط می باشد، ولی

آنها را باید از دیدگاه جزائی غیر مسؤول بازشناسی کرد یعنی به همان شکلی که برنامه آشتی جمهوری عرب سوریه بدان عمل می کند.

یادداشت ها:

(۱) تنها پس از این رویدادها بود که شبکه الجزیره شایعه کودکانی که گوئی توسط پولیس سوریه شکنجه شده اند را منتشر کرد.

[2] «[Rebellen in Syrien : Der HenkervonBab Amr](#)», Ulrike Putz, *Der Spiegel*, 26 mars 2012.
English version : «[The Burial Brigade of Homs : An Executioner for Syria's Rebels Tells His Story](#)»

(۳) ارتش آزاد سوریه در منطقه وجود خارجی ندارد، ولی در سالون هتل های بزرگ در استانبول و پاریس به حیات خود ادامه می دهد. برخی گروه های مسلح در سوریه نیز وقتی امکان دریافت جنگ افزار از سوی ناتو وجود دارد، خود را ارتش آزاد سوریه می نامند.

[4] «[« Bachar el-Assad ne mériterait pas d'être sur la terre » \(Fabius\)](#)», AFP, 17 août 2012.

[5] «[Pression militaire et succès diplomatique pour les rebelles syriens](#)», par Isabelle Maudraud, *Le Monde*, 13 décembre 2012.

(۶) پرونده های رسمی (یدین انگلیسی) در دسترس هستند و در چهار یدی جمع آوری شده اند و می توانید آن را تله شارژ کنید [ici](#).

[6] Les documents officiels disponibles ont été rassemblés en quatre CD et son téléchargeables [ici](#).

(۷) وقتی سازمان سیا روی فرانسوی ها به عنوان موش آزمایشگاهی طرح های تجربی اش را به آزمون گذاشت. نوشته هانک آلبارلی Hank P. Albarelli Jr. شبکه ولتر. ۱۶ مارس ۲۰۱۰.

[7] «[Quand la CIA menait des expériences sur des cobayes français](#)», par Hank P. Albarelli Jr., *Réseau Voltaire*, 16 mars 2010.

[8] «[Le secret de Guantánamo](#)», par Thierry Meyssan, *Odnako (Russie), Réseau Voltaire*, 28 octobre 2009. Voir aussi «[La CIA admet avoir « retourné » des prisonniers de Guantánamo](#)», *Réseau Voltaire*, 26 novembre 2013.

[9] «[Brennan confirme la censure du rapport sénatorial sur la torture](#)», *Réseau Voltaire*, 30 janvier 2014.

[10] [Les Égarés](#), par Jean-Michel Vernochet, Sigested, 2014.

[11] «[John McCain, le chef d'orchestre du « printemps arabe », et le Calife](#)», par Thierry Meyssan ; «[John McCain a admis être en contact permanent avec l'Émirat islamique](#)», *Réseau Voltaire*, 18 août et 19 novembre 2014.

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۳ نومبر ۲۰۱۴